

کشفیات جدید از شهر باستانی هگمتانه

محمدرحیم صراف

ولی هیات توانسته است ۲۰ متر از این معابر را در عمق بین ۵-۲ متر از زیر خاک خارج کند. از معابر مذکور مدخلهایی به فضاهای معماری تعبیه شده است. حداقل معابر حدود ۳۵ متر است. در این فاصله آثار، در ردیف فضاهای معماری در جهت شمال شرقی و جنوب غربی احداث شده‌اند. از آنجائی که هنوز کاربرد اصلی فضاهای مکشوفه روشن نیست. (کاخ، معبد، آرشيو، خانه و غیره) در اینجا به عنوان فضاهای معماری مطرح می‌شوند. فضاهای معماری که هر کدام به صورت مستقل ساخته شده و به وسیله یک مدخل که از داخل معابر راه دارند، پشت بهم در دو ردیف ساخته شده‌اند. همه فضاها دارای یک مدل روشن و مشخص است. بدین ترتیب که از داخل مدخل وارد یک اتاق چهارگوش به طول و

در سال ۱۳۶۲ اولین فصل کاوشهای باستان‌شناسی در تپه هگمتانه آغاز شد و به دنبال آن شش فصل حفاری از شهریور تا آبان ماه ۱۳۷۴ ادامه یافت. در طول این مدت هیات باستان‌شناسی اهرامس موفق شد، ابتدا در کارگاههای شمالی، شرقی، جنوبی و سرکزی تپه اقدام به حفاری نماید. آثار معماری مکشوفه در روند حفاری سال ۱۳۷۳ به نتایج مهم منجر شد. هیات موفق شد با حفر ۱۰ تراشه ۱۰×۱۰ متر در مرکز تپه آثار دو محبر بزرگ از یک شهر باستانی را از زیر خاک خارج نماید معابر مکشوفه در جهت شمال شرقی و جنوب غربی ساخته شده است. عرض معابر ۳/۵ متر است.

معابر یا "فرداندیسرن آجری" با دیوارهای آجری - خشتی ساخته شده‌اند. هنوز طول معابر روشن نیست



شهر باستان در عمق ۵ متری از زیر خاک خارج شده است. هگمتانه

موضوعاتی خاص که گروههای پژوهش ضمن کار از آنها آگاهی می‌یافتند مورد مطالعه قرار گرفت.

به‌طور کلی در این پژوهش همه عناصر فرهنگ بومی و سنتی منطقه، از جمله فنون و ابزار و وسایل کار و انواع معیشت و نظامهای سنتی مدیریت، مالکیت و تولید و توزیع محصولات، روابط طبایعی و نیز آئین‌نامه و مراسم سنتی و اعتقادات و باورها و غیره توسط گروههای سیزده‌گانه پژوهش، در همه روستاها و نقاط نمونه‌گیری شده به‌طور کامل و در سایر روستاها، حسب مورد مطالعه و بررسی شد. بررسی احتمالی تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که شهرستان تکاب از لحاظ فرهنگی در شمار دست‌نخورده‌ترین مناطق کشور است و بسیاری از عناصر اصیل و ریشه‌دار هنوز در فرهنگ این منطقه زنده و پویا است. بنابراین منطقه تکاب تحقیقات بنیادی بیشتری را می‌طلبد، که ان‌شاءالله انجام شود.

گفتنی است که در مجموعه فرهنگ منطقه، آب دارای ارج و پایگاه ویژه و برجسته‌ای است و از بن‌مایه‌های احترام‌آمیز به تقدس برخوردار است. و از بازتاب این امر در باورها و اعتقادات، در مراسم، در خصوصیات مکانها، از دریاچه کوچک بر بلندای کوه بلقیس تا آب و دریاچه تخت سلیمان تا همه چشمه‌ساران و آبگیرها و آبهای جاری بارز و نمایان است.

*

سرپرست هیئت محمد میرنکرای
مدیر هیئت علی‌اکبر حمیدی
با شرکت ۴۴ نفر پژوهشگران سازمان میراث فرهنگی در استانهای کشور

معرض ۱۲۰۰۰ سانتیمتر می‌شود. در استداد اتاق مذکور یک حیاط مستطیل شکلی به طول و عرض $2/80 \times 8/80$ وجود دارد در قسمت انتهای حیاط، فضایی به اندازه 380×150 سانتیمتر دیده می‌شود. به عبارت دیگر حیاط در این قسمت یک متر باریکتر شده و با بررسی دیوارهای باقیمانده آن به نظر می‌رسد که این قسمت حیاط دارای پوشش آهنگی بوده و خود این قسمت تشکیل طاقهای کوچک را می‌دهد است.

از سمت راست و چپ اتاق ورودی به دو اتاق جانبی دیگر راه دارد و از خود حیاط نیز به وسیله چهار مدخل به دو اتاق از دو طرف (جمعاً چهار اتاق) ارتباط برقرار شده است. این نوع مدل‌سازی در اندازه $17/5 \times 17/5$ متر انجام شده است.

موضوع مهمی که در احداث فضاهای معماری مکتشفه دیده می‌شود، برگردان فضاهای معماری مذکور به چپ و به راست همدیگر است. این امر نه تنها در رابطه با حداقل فاصل دو معبر مکتشفه مشاهده می‌شود، بلکه در اثر حفاری در قسمت شمال کارگاه مرکزی و حداقل معبر



شهر باستانی مکتشفه از تپه هگمتانه (همدان)



بخش از بقایای برج و باروی شهر و دروازه باستانی مکتشفه در تپه هگمتانه (همدان)

دوم و سوم نیز دقیقاً وضعیت مشابهی دیده شد. بدین ترتیب روشن شد که در محدوده مرکزی تپه هگمتانه آثار معماری از یک شهر وجود دارد که دارای معابری موازی به عرض $3/5$ متر ساخته شده است. تمام معابر در جهت شمال شرقی و جنوب غربی احداث شده‌اند. تمام فضاهای معماری حد فاصل آنها در دو ردیف مشابه هم هستند. ادامه بررسی و تحقیق در مورد پی بردن به چگونگی ارتباط معماری کارگاه مرکزی با کارگاههای شرقی - جنوبی که در فصول اولیه کاوش تپه هگمتانه از زیر خاک خارج شده بودند، نتایج ارزنده دیگری را ارائه داده به طوری که وسعت معماری سبستانیک باستانی مکتشفه از محدوده کارگاه مرکزی خارج شده و به کارگاههای شرقی در فاصله ۶۰ متری و نیز کارگاه جنوبی در فاصله ۲۰۰ متری وصل شد. به طوری که نتایج حفاری فصل اخیر (۱۳۷۲) در کارگاه جنوبی نیز مجدداً

نوع مشابه معماری باستانی مکتشفه در کارگاه مرکزی را ارائه داد و روشن کرد که معماری یا فضاهای مکتشفه از مرکز تپه هگمتانه تا جنوب آن رو به گسترش دارد. حفاری کارگاه شرقی نه تنها نشان داد که معماری شهر باستانی مکتشفه تا این کارگاه ادامه می‌یابد بلکه منجر به کشف حصار و برج شهر باستانی در ششمین فصل کاوش هیأت اعزامی گردید.

حصار خشکی که در این کارگاه به دست آمد دارای فظری به اندازه ۹ متر است. بدنه داخلی حصار بدون تزئینات معماری بوده اما بدنه بیرونی آن دارای تزئیناتی به صورت جرز و نما است. جرز و نماهای به دست آمده با مصالح گچ آلود شده‌اند. در این کارگاه آثار باقیمانده حصار فعلاً تا ۴۲ متر طول از زیر خاک خارج شده و قسمتی از بقیه آن در ایس کارگاه به علت احداث ساختمانهای جدید تخریب شده ولی هیأت امپدوار است که در ادامه حفاری

بررسی بر روی برش حصار در ضلع شمالی این کارگاه بقایای حصار خشتی را با ارتفاع بیش از ۸ متر نشان داده، هنوز قسمتی از پی حصار در زیر خاک باقیمانده که در ادامه حفاری از زیر خاک بیرون آمده و ارتفاع دقیق باقیمانده آن روشن خواهد شد. نتایج کاوش در کارگاه شرقی نشان داد که حصار خشتی با قطر ۹ متر میبایستی در زمان احداث بیش از ۱۰ متر ارتفاع داشته باشد.

حصار و برج خشتی شهر مکشوفه در کارگاه شرقی جهت آنرا به طرف شمال و جنوب نشان می‌داد.

هیأت با بررسی وضعیت مسیر احداث حصار شهر باستانی و به علت تخریب شدید قسمت شمالی آن در فاصله ۱۰۰ متری توجه خود را به قسمتی دیگر از تپه هگمتانه معطوف نمود. حفاری در این قسمت منجر به کشف بقایای حصار خشتی و برج دیگری شد. بقایای حصار خشتی و برج مکشوفه در کارگاه شمالی سالمتر از کارگاه شرقی بود. بدنه حصار در این قسمت نیز با جرز و نمای زیبایی هنوز سالم باقیمانده بود. ارتفاع باقیمانده حصار در کارگاه شمالی علی‌رغم عدم

علت پایان ششمین فصل کاوش فعلاً حدود ۶ متر است. برج دوم نیز در قسمتهای جانبی دارای تزئینات مشابه حصار خشتی بوده یا به عبارت دیگر دارای جرز و نماست ولی بدنه دیوار خارجی برج که موازی حصار است، صاف و بدون تزئینات است.

در قسمت دیوار شمالی برج مکشوفه آثار و بقایای یک دروازه کوچک که به فضاهایی در داخل برج راه داشت، به دست آمد که روند حفاری آینده وضعیت آنرا روشن خواهد کرد.

نتایج کاوش از شش فصل تپه هگمتانه نشانگر این واقعیت است که در سطح وسیعی از تپه هگمتانه شهری با رعایت تمام اصول معماری ساخته شده است.

علاوه بر این کیفیت و کیفیت معماری مکشوفه دال بر این است که برای ساختن این حجم کار و نیز احداث مدل خاص و تکرار آن در سطح گسترده نیاز به تشکیلات وسیعی بود. در چنین تشکیلات وسیعی می‌بایستی در مرحله اول تعداد کثیری از متخصصین مخصوصاً معماران با تجربه جایگاه و نقش ویژه‌ای داشته باشند. تا بتوانند با بررسی شرایط موجود و مخصوصاً وضعیت فنی معماری نقشه لازم را تهیه نمایند. طبیعتاً احداث چنین مجموعه گسترده‌ای که حاکی از یک شهر و آنهم شهر حکومتی باید باشد به زمین وسیع، مصالح فراوان، نیروی کارگری زیاد و بالاتر از همه به بودجه فراوان نیاز داشت تا متخصصین و معماران با تجربه بتوانند تفکرات و ایده‌های معماری خود را در

اینچنین امکانات انسانی، مالی، اداری را چه کسانی در دنیای باستان می‌توانستند داشته باشند طبیعتاً توجه ما باید به حکام و پادشاهان قدیمی جلب شود. شاسفانه تاکنون مدارک مکتوبی از کاوش تپه هگمتانه به دست نیامده تا ما را درباره وضعیت شخص یا اشخاصی که دستور احداث چنین شهری یا به عبارت دیگر چنین شهر حکومتی را داده باشند روشن نماید.

اما از اشیاء باستانی که در طول شش فصل کاوش از گوشه و کنار کارگاههای حفاری به صورت پراکنده به دست آمده نشان می‌دهد که شهر در کلیه ادوار تاریخی، ماد، هخامنشی، سلوکی، پارتی و ساسانی مورد استفاده قرار گرفته است؛ حتی آثار و نشانه‌های سکونت در دوره اسلامی نیز در گوشه و کنار شهر باستانی مشاهده می‌شود.

تفتان در فرهنگ مردم بلوچ

شهرین پرهان‌زهی

رابطه فرهنگ و طبیعت و اهمیت شناخت توأمان میراث طبیعی و فرهنگی و لزوم تلاش در جهت حفظ و بهره‌برداری از میراث‌های طبیعی انگیزه‌هایی بود که پژوهش در زمینه جلوه‌های شاخص طبیعت سرزمین ایران را در زمره برنامه‌های پژوهش مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی قرار داد. بویژه که در این پدیده‌های شگرف و زیبا فرهنگ و بوم چندان درهم آمیخته‌اند که نمونه‌های بارز جاذبه‌های فرهنگی نیز به شمار می‌آیند



پس دیگری در اثر معماری مکشوفه در هگمتانه



قله نفتان

باورهای مردم سرشار از این کوه بلند و سترگ است. از دامنه‌ها تا قله آتشین آن مکان‌های متعددی وجود دارد که پناهگاه نیازمندان و دردمندان است. گورستان کهن هفتاد ملاکه نامش معروف جایگاه فرهنگی آن می‌باشد، چهل تن مقدس در نزدیکی قله کوه، که حاجتمندان در کنار آن قربانی می‌کنند، سنگ زمردین که اگر بتوانند آن را تا روی شکم بالا بیاورند، مرادشان داده خواهد شد، از این جمله‌اند. سوگند به چهل تن مقدس، سوگندی است که در آن دروغ مشهور نیست و گرنه خشم نفتان را در پی خواهد داشت. سواران و مردان نیرومند به نفتان تشبیه می‌شوند

قرار گرفته است. در این پژوهش به کوه نفتان پرداخته‌ایم.

کوه نفتان در ۲۲ کیلومتری شمال شهر "خاش" و میان میرجاوه و خاش واقع شده است. نفتان یک کوه آتشفشان است و دهانه اصلی آتشفشان آن در اواخر دوران سوم و اوایل دوران چهارم زمین - شناسی به محل فعلی تغییر یافته و حالتی نیمه فعال دارد. دهانه قبلی به صورت گودالی که در فصل زمستان از برف انباشته می‌شود، در اوایل بهار به شکل دریاچه درمی‌آید و تابستان آب آن خشک می‌شود.

به برکت نفتان نقاط اطراف آن آب و هوای ملایم و کشتزارهایی سرسبز دارند که کار و زندگی و شیوه معیشت مردم از آن متأثر است.

نفتان حویلی از زندگی و فرهنگ بلوچ است و در این فرهنگ نفتان یک کوه نیست، یک وجود زنده است. یاری می‌دهد، خشم می‌گیرد، نقطه امید است و ... از پیرمردی از اهالی نمین (روستایی در پای کوه) درباره نفتان پرسیدم، گفت: نفتان احتیاج به معرفی ندارد، همه دنیا او را می‌شناسند.

پژوهش مردم‌شناسی "نفتان در فرهنگ مردم بلوچ" از جمله پروژه‌های تحقیقاتی است که در این چارچوب انجام گرفته و طی آن رابطه نفتان با مردم پر تلاش بلوچ و ساکنان پای و پیرامون کوه مورد بررسی قرار گرفته است. آنچه در زیر می‌آید مختصری است از دستاوردهای این تحقیق.

"روزی روزگاری برادر و خواهری بودند به نام "زنده" و "نفتان" که برای تقسیم ارث پدر با هم نزاع داشتند. نفتان می‌گوشید همه چیز را از آن خود کند. زنده که از این بابت ناراحت بود روزی کنده درختی را آتش زد و بر سر نفتان کوبید. همسایه‌ای به نام "بنج انگنت" داشتند.

او میان نفتان و زنده میانجیگری کرد. زنده قانع شد که به "بزمان" برود و نفتان بر جای خود ماند. اما از آن زمان همچنان با آن دود و آتش می‌سازد.

در فرهنگ مردم بلوچ قصه بالا مربوط به نفتان و دو کوه کوچکتر از نفتان است. یکی کوه "زنده" در "بزمان" ابرانشهر و دیگری کوه "بنج انگنت" در خاش که از لحاظ جغرافیایی بین آن دو



خسانه‌های صخره‌ای در روستای دلمین در دامنه نفتان



نمایی گورستان هفتاد ملا

توسط شهسوار خان و سید محمود
دستیابی به آثار مدفون در زیر ساخت
وسازهای جدید به اجرا در آمد.

هیات ضمن کاوش خود موفق به
کشف عناصر مهم معماری از قرن هشتم
ونهم هجری به بعد گردید. مهمترین
مجموعه معماری مکشوفه یک بنای
هشت ضلعی از دوره صفوی مقدم
(اوائل قرن دهم هجری) است که خود
بنا از نوع آجرهای چهارگوش
با ابعاد ۲۱×۲۱ سانتیمتر و قطر ۶ سانتیمتر
شکل گرفته و از تراز دیوارهای داخلی
رضای بیرونی آن با سنگهای لاشه قراره
شده حجیم زینت یافته است. بنا مشتمل
است بر عرواق و دروازه و برشش آن را
طاق کم خیز نعلبکی شکل تشکیل می
داده که در حال حاضر خراب شده
است. سنگهای یکساررفته در از تراز
دیوارهای داخلی بنا به رنگ زیشونی
و از نوع سنگهایی است که در محوطه
چله خانه (قدیمیترین عنصر مجموعه)

تفان هم معصوم است و تمام
قدرت و شهامت و از روزگاران کهن تا
امروز قامت بلند فرهنگ و طبیعت
سرزمین بلوچ بوده است. خانه‌های
سفره‌ای بای کوه در روستای تین که
در این پژوهش یافتیم و بدان راه بردیم و
سرای اولین بار مورد پژوهش قرار
می‌گیرد، قصه‌ها و حکایت‌ها و خاطره‌ها
که از تفان و کوههای اطراف آن در ذهن
و زبان مردم است، همه و همه در
پژوهش شناسی تفان از چشم و نگاه
از نوک قلم و از عدسی دوربین، بر
صفحه کاغذ آمده‌اند. تا جایگاه والای
تفان را در فرهنگ مردم بلوچ بنمایند.
در این پژوهش تفان و پیوندهای
فرهنگی آن با سرزمین و مردم
بلوچستان و نیز نقاط مسکونی پیرامون
تفان که مستقیماً با این کوه در ارتباط
می‌باشند، مورد بررسی قرار گرفته
است.



کاوش و موقت گن، مجموعه شیخ صفی
مجموعه مدفون است.

در بخش شمالی که تخریب ساخت
وسازهای جدید و حفر جاهها و
فونداسیون دیوارها شدیداً به
آثار تاریخی طعمه وارد آورده آثار پیوسته
به چشم نمی خورد و صرفاً دو دیوار بزرگ
سنگی و آجری دوره صفوی که یکی از
آنها ۸۰ سانتیمتر قطر دارد برج مانده
است. این دیوارها که دیوارهای بیرونی
بنا بشمار می روند بسیار ستادانه شکل
گرفته و یکی از آنها دارای نیم برج
نویز استوانه ای شکل است که با
سنگهای سبز تراش دار ساخته شده
است.

در بخش جنوبی محوطه و در جهت

کاوش در مجموعه شیخ صفی اردبیلی

سید محمود موسوی

شیخ صفی (درا تراز دیوارها بکاررفته
است. وجود سه پنجره و نورگیر نشان
بدهد که بنا در اصل در سطح بوده
و با بالا آمدن اراضی اطراف مدفون شده
است.
این بنا در جهت غربی توسط پلکانی
به طبقه فوقانی که بقایای دیوارهای یک
هشتی فوقانی در آنجا به چشم می خورد
راه می یافته است. هشتی فوقانی
کوچکتر از هشتی پائینی بوده و بخشی از
آن در زیر دیوارانی راه تاسیسات جدید

هیات کاوش باستان شناسی اهرامی
از طرف سازمان میراث فرهنگی کشور
از نیمه دوم مرداد ماه سال جاری
عملیات کاوش را در حوضه و حریم
شهری مجموعه شیخ صفی الدین
اردبیلی وحد فاصل مجموعه و عیالیان
آغاز و به مدت چهار ماه کار را دنبال نمود
این کاوش اضطراری همزمان با تخریب
و تسطیح اماکن و منازل و دکا کین جدید
برای اجرای فاز اول طرح ساماندهی
حریم اطراف مجموعه شیخ صفی



محوطه کاوش در جهت غربی مجموعه شیخ صفی

کشف گنجبری های جدید دوره ساسانی در بندیان خراسان

مهدی رهبر



محوطه باستانی بندیان - در پشت سره پاریم تپه به وقوع پیوسته، سرنوشت ساز بوده است که باید ارزشهای آن بازنشاسی و مورد توجه قرار گیرد.

یکی از تپه های مهمی که به وسیله هیأت ایرانی فوق الذکر شناسائی و به ثبت رسیده "پاریم" تپه است که در کنار رود درونگر واقع شده است. این تپه که بیش از ۳۰ متر ارتفاع دارد همچون کوهی قد برافراشته و تمدن های هزاره پنجم قبل از میلاد تا دوره ساسانی را در خود دارد. این تپه یقیناً از جهت ساخت و تکوین تمدنهای شرقی ایران، رل اساسی را بازی می کند. شمال خراسان براساس کتیبه های بیستون بهر نوه خوانده می شد و از ایالات مهم شاهنشاهی هخامنشی محسوب می گردید. به همین دلیل همیشه ساتراپ این ایالت از خویشاوندان نزدیک دربار انتخاب می شده است. "نسا" پایتخت اولیه اشکانیان که اکنون در جمهوری ترکمنستان و به فاصله حدود ۱۰۰

بندیان در شمال غربی درگز و به فاصله ۲ کیلومتری این شهر واقع شده است. جاده های خاکی که از کنار بندیان می گذرد، چند روستا از جمله روستای ارتیان را با شهر مرتبط می سازد. نامهای بندیان و ارتیان از جمله اسامی آهنگین است که احتمالاً سابقه ای قبل از اسلام را باید برای آنها در نظر گرفت^(۱). دشتی که اطراف آن را کوه های بلندی چون هزار مسجد والله اکبر، احاطه کرده، از دوران کهن مورد توجه انسانهای این منطقه بوده و ساحل اسکانهای بی دریغ، محوطه ها و تپه های زیادی است که در این دشت باقی مانده است. بررسیهای اجمالی یک باستان شناس ایرانی^(۲) در سال ۱۳۲۵ در شمال خراسان، اگرچه منجر به ثبت چندین تپه مهم این منطقه شد، اما با توجه به وقت محدود و هدفهایی که بیشتر جنبه آموزشی داشت و طبیعتاً تپه نقشه باستان شناسی منطقه مورد نظر نبوده همه محوطه ها و تپه ها را دربر نگرفت، به همین دلیل تعداد محوطه های باستانی که در این دشت وجود دارند و هنوز مورد شناسائی قرار نگرفته اند کم نیستند.

اصولاً شمال خراسان که بخشی از دشت غساوران را تشکیل می دهد، با وجود سابقه تاریخی پر بار، نیاز به بررسی همه جانبه دارد. بسیاری از اتفاقات دوران تاریخی که در این منطقه

مربوط به دوره ساسانی است. آجری از قرون هشتم تا دهم هجری شناخته گردید که تا اتاق ها و نفاضاها به دور یک فضای هست ضلعی بلند شکل گرفته اند. نوع آجرهای بکاررفته در این مجموعه ابعاد ۲۲×۲۲ سانتیمتر و قطر ۵ سانتیمتر دارند و رنگ آنها به نسبت هشتی شمالی روشن تر و سفید تر است. این مجموعه نیز پوشش طاقی شکل داشته و ستافانه تمام پوشش ها فروریخته ولی در اغلب دیوارها محمل غیر طاق هامر وجود است.

در متناهی حوزة جنوب شرقی محوطه مجموعه قبور دوره صفوی بدست آمد که احتمالاً مربوط به گورستان پیرامون مقبره شیخ بوده و بوسیله دیوارهایی در دوره قاجار از گورستان شهیدگاه مجزا شده اند.

در کاوش مسزبور مجموعه نمونه ها و قطعات مختلف ظروف سفالی از انواع مختلف و مربوط به قرون هشتم تا سیزدهم هجری به دست آمد که از نظر تنوع و تعدد مجموعه بسیار نادر و منحصر بفردی را تشکیل می دهند. ضمناً آثار فلزی و سکه های دوره های صفوی و ایلخانی که اکثر آنها بدلیل نوع فلز آنها زنگار بسته اند کشف شد که نیاز به پائین زدائی دارند.



تپه ها و گورستان های شرقی